

رابطه گزارش مقبول حسابرسی با بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری

الهه زراعتی نوقابی*^۱
کریم نخعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه اظهارنظر مقبول حسابرسی با بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری پرداخته است. متغیر وابسته پژوهش، اظهارنظر مقبول حسابرسی و متغیرهای مستقل پژوهش، شامل نماینده‌های بیش ارزشیابی سهام (نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تاخیری و نسبت بهای هر سهم به ارزش هر سهم تاخیری) و نماینده مدیریت سود (تعهدات اختیاری) و نماینده محافظه کاری (معیار گیولی و هاین برای محافظه کاری غیرشرطی بر پایه اقلام تعهدی) می‌باشد. روش پژوهش از نوع کاربردی و روش آماری بکار رفته شامل رگرسیون لاجیستیک می‌باشد. نمونه آماری پژوهش شامل ۴۲۹ سال شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی در این بازه زمانی، اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه معنی داری با بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری ندارد. همچنین نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و تغییر حسابرسی و گردش موجودی کالا و بازده دارایی‌ها بر ارائه گزارش مقبول حسابرسی مؤثر نیست اما اظهارنظر مقبول حسابرسی با ارائه گزارش مقبول سال پیش رابطه مثبت و با اهرم مالی رابطه منفی معنی داری دارد.

واژگان کلیدی

اظهارنظر مقبول حسابرسی، بیش ارزشیابی سهام، مدیریت سود، محافظه کاری

^۱ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول: eligolzn@gmail.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران. (Nakhaei1360@yahoo.com)

۱. مقدمه

حسابرسی را می‌توان به عنوان ابزاری اطمینان‌بخش در زمینه کیفیت صورت‌های مالی دانست که باعث می‌شود استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بر اساس آن اطلاعات تصمیمات سودمندی اتخاذ نمایند. در ایران، مانند سایر کشورها، اظهارنظر حسابرسی به صورت مقبول و تعدیل شده ابراز می‌شود. اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده به اظهارنظر حسابرسی مقبول با بند توضیحی، اظهارنظر حسابرسی مشروط، اظهارنظر حسابرسی مردود و عدم اظهار نظر تقسیم می‌شود. بر اساس استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰ ایران، اگر حسابرس: الف) بر اساس شواهد حسابرسی کسب شده به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی عاری از تحریف با اهمیت نیست؛ یا ب) قادر به کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای نتیجه‌گیری درباره نبود تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی نباشد، باید طبق استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۵ اظهارنظر خود را در گزارش حسابرسی تعدیل کند (آقائی و بابائی، ۱۳۹۳).

فلسفه اصلی حسابرسی اعتباربخشی به اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی است؛ زیرا اطلاعات مزبور مبنای تصمیم‌گیری‌های گروه‌های مختلفی نظیر سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، کارگزاران، مدیران، مشاوران مالی، تحلیلگران، اعتباردهندگان و دولت قرار می‌گیرد؛ بنابراین حسابرسی از دیدگاه کاربران مزبور به ویژه سهامداران زمانی سودمند است که حسابرسان در رسیدگی‌های خود به بررسی و ارزیابی برقراری تداوم فعالیت، عاری بودن صورت‌های مالی از اشتباه، تخلف و تقلب با اهمیت و اعمال غیرقانونی مؤثر بر فعالیت واحد مورد رسیدگی پردازند و میزان موافقت خود را با رعایت موارد مزبور اعلام کنند. هرگاه میزان عدم رعایت به حد کافی مهم باشد، گزارش حسابرسی باید به صورت مشروط ارائه شود. اظهارنظر مشروط مسئولیت حسابرسان را نسبت به مطلوبیت ارائه برخی از اجزای اطلاعات صورت‌های مالی محدود می‌کند (امینی، محمدی و عباسی، ۱۳۹۰).

هنگامی که ارزش بازار سهام، بالاتر از ارزش واقعی آن باشد، سهام، اضافه ارزشیابی شده است. سهام بیش ارزشیابی شده^۱، بدین معنی است که شرکت قادر نخواهد بود عملکرد مورد نیاز برای توجیه ارزش بازار سهامش را (مگر با شانس) ارائه دهد. اگر شرکت بتواند ارزشش را توجیه کند، بیش ارزشیابی شده نخواهد بود (جنسن^۲، ۲۰۰۵).

درواقع زمانی که ارزشیابی‌های نادرست رو به بالاست، یعنی سهام، بیش ارزش‌گذاری^۳ می‌گردد، مدیران به علت دستیابی به منافع بسیار در بالا بودن بهای سهام، همچون دستیابی آسان به وجوه بازار سرمایه، امنیت شغلی بالاتر و ... به جای تصحیح بیش ارزش‌گذاری، با استفاده از تکنیک‌های مختلف به حمایت از مقادیر نادرست ارزشیابی شده، دست می‌زنند (جنسن، ۲۰۰۵).

شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا فاقد توانایی لازم برای دستیابی به سطح عملکرد مورد انتظار متناسب با قیمت سهام آن هستند. برای همین منظور مدیران عامل با استفاده از رویه‌های حسابداری متهورانه به مدیریت سود روی می‌آورند تا این ضعف عملکرد را پوشش دهند. یکی از ابزارهای معمول مدیریت سود استفاده از ارقام تعهدی اختیاری است. مدیران

¹ Over valued equity

² Jensen

³ Over valuation

عامل با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری این ضعف عملکرد مورد انتظار را پوشش می‌دهند؛ بنابراین، در شرکت‌های با ارزش گذاری بالای سهام میزان اقلام تعهدی اختیاری بیشتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد (هومز، فولی و سیولا^۴، ۲۰۱۳). به علت قابلیت انعطاف‌پذیری ذاتی که در برخی از استانداردهای حسابداری وجود دارد و از آنجایی که تفسیر و به‌کارگیری این رویه‌ها، در بسیاری از موارد تابع قضاوت و اعمال نظر مدیران است، این فرصت برای آن‌ها فراهم شده تا با استفاده از تکنیک‌های متنوع، از جمله دستکاری اقلام تعهدی حسابداری، به‌منظور حمایت از ارزشیابی‌های نادرست، سود را مدیریت کنند، بنابراین، سود حسابداری ممکن است عملکرد واقعی حسابداری شرکت را (که به وسیله توانایی شرکت در ایجاد جریان‌های نقدی مشخص می‌شود) منعکس ننماید و این رفتار مداخله‌گرایانه (مدیریت سود) اعتماد سرمایه‌گذاران به فرآیند گزارشگری را تقلیل داده و موجب تخصیص نادرست منابع کمیاب اقتصادی می‌گردد (احمد پور، ملکیان و کردتبار، ۱۳۸۷).

گزارش‌های مالی ارائه شده توسط شرکت حاصل مذاکره میان مدیران و حسابرسان است. در شرکت‌های با ارزش گذاری بالا، مدیران از رویه‌های حسابداری متهورانه برای پوشش ضعف عملکرد شرکت استفاده می‌کنند که باعث گزارش سود رو به بالا ناشی از اقلام تعهدی اختیاری می‌شود. از سوی دیگر، حسابرسان با کیفیت بالا با توجه به اعتبار و دعاوی حقوقی، از استفاده از این رویه‌ها و گزارش سودهای رو به بالا ناشی از اقلام تعهدی اختیاری جلوگیری می‌کنند (هومز و همکاران، ۲۰۱۳).

حسابرسان با کیفیت بالا، با توجه به حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای خود، افزایش مسئولیت آن‌ها در استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی، ریسک دعاوی حقوقی و تجربه حرفه‌ای خود دارای مهارت و دانش کافی در شناخت ارائه نادرست اقلام صورتهای مالی مورد رسیدگی بوده و می‌توانند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تأثیر بگذارند و در نتیجه کیفیت اطلاعات مندرج در صورتهای مالی را افزایش می‌دهند و استفاده از رویه‌های حسابداری در زمینه دستکاری سود توسط مدیران را کاهش می‌دهند (دیفاند و ژانگ^۵، ۲۰۱۴).

از طرفی هاو، پارک، کی و وو^۶ (۲۰۰۳) دریافته‌اند که گزارش تعدیل شده حسابرسی می‌تواند باعث اقدامات هزینه‌بری بر علیه شرکت نظیر تعلیق معاملات اوراق بهادار یا بالا رفتن هزینه سرمایه شرکت شود. نظریه کارگزاری، حسابرس را نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذینفع در کنترل صحت، قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود؛ اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است؛ بنابراین در این نظریه فرض می‌شود که حسابرسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده، کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند (والکر^۷، ۲۰۰۳) و یا این که عملکرد مدیران با توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد مدیر، دیدگاه حسابرس را تحت تأثیر قرار دهد و بر نوع گزارش حسابرس تأثیر گذارد.

⁴ Houmes, Foley & Cebula

⁵ DeFond & Zhang

⁶ Haw, Park, Qi & Wu

⁷ Walker

محافظه کاری نامشروط نوعی محافظه کاری پیش‌رویدادی^۸ است که مستقل از اخبار است این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی ترازنامه اثرگذار بوده و از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را مستقل از اخبار اقتصادی جاری، کاهش می‌دهند. برای مثال، شناسایی بی‌درنگ مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریان‌های نقدی مورد انتظار آنها مثبت باشد، از این نوع است. نمونه دیگر مربوط به نحوه مستهلک کردن دارایی‌ها می‌باشد؛ که شتاب استهلاک دفتری دارایی‌ها بیشتر از شتاب استهلاک اقتصادی آنها است.

به طور خلاصه می‌توان این گونه گفت که محافظه کاری غیرشرطی یا پیش‌بینی شده، محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه‌ای است که منعکس‌کننده تمایل به ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آنها است (بال و شیواکومار^۹، ۲۰۰۵). محافظه کاری غیرشرطی با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری الزام‌نگر دیده است (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸). محافظه کاری غیرشرطی به اعمال روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه در مرحله شناخت و ثبت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها اشاره دارد. این نوع محافظه کاری مستقل از اخبار و اطلاعات و شرایط موجود در لحظه ثبت و شناخت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و فقط از الزامات استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری نشأت می‌گیرد. به هزینه بردن مخارج تحقیق و توسعه، استفاده از روش‌های تسریعی استهلاک و روش اولین صادره از آخرین وارده در ارزشیابی موجودی‌ها، مثال‌هایی از محافظه کاری غیرشرطی هستند (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵).

گیولی و هاین^{۱۰} (۲۰۰۰) پیشنهاد می‌کنند که علامت و بزرگی ارقام تعهدی که در طول زمان انباشته می‌شوند، معیارهایی از محافظه کاری هستند. برای شرکت‌هایی که در وضعیت ثبات، بدون رشد و دارای حسابداری بی‌طرف هستند، سود به سمت وجه نقد و ارقام تعهدی آن دوره به سمت صفر گرایش پیدا می‌کند. منفی بودن ارقام تعهدی به صورت مداوم در میان شرکت‌ها در طول یک دوره زمانی طولانی، نشانگر محافظه کاری است، در حالی که نرخ انباشتگی ارقام تعهدی منفی، نشانگر تغییر در درجه محافظه کاری در طول زمان است (گیولی و هاین، ۲۰۰۰).

پرسش پژوهش این است آیا میان بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری و همچنین اثر متقابل دو به دو یا هر سه آن‌ها با اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؟

این پژوهش می‌تواند نقش ارزنده‌ای در کمک به نیازهای بازار، اقتصاد، حساب‌رسان، شرکت‌ها و به تبع آن سرمایه‌گذاران به عنوان پایه‌های اساسی تخصیص منابع و کمک به مدیران شرکت‌ها در آگاهی بخشی نسبت به نقش بیش‌ارزشیابی سهام، مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری بر اظهارنظر حساب‌رسان و بالتبع افزایش کارایی سازمانی و عملکرد شرکت‌ها و تخصیص بهینه‌تر منابع توسط سرمایه‌گذاران با توجه به دسترسی به اطلاعات صحیح‌تر داشته باشد.

بنابراین با توجه به اثرات مخرب بیش‌ارزشیابی سهام بر کیفیت گزارش‌های مالی و اتخاذ تصمیم‌های نادرست توسط مدیران که می‌تواند منجر به از میان رفتن ارزش بلندمدت شرکت گردد می‌خواهد بررسی شود حساب‌رسان هنگامی که شرکت‌ها بیش‌ارزشیابی گردیده و در بازی مدیریت سود درگیر می‌شوند و یا محافظه کاری حسابداری اعمال می‌شود چه اظهار نظری ارائه می‌کنند؟

⁸ Ex ante

⁹ Ball & Shivakumar

¹⁰ Givoly & Hayn

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، افزایش سطح ناشی از داد و ستد اوراق بهادار و بهبود سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. هدف حسابرسی در چارچوب فرایند آزمون محور با تکیه بر نظریه‌های مربوط، زدودن آلودگی‌های اطلاعات است تا از طریق افزایش توان اتکای آن بستری مساعد برای استفاده از اطلاعات در راستای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد. محصول نهایی این فرایند گزارشی است که حسابرس در آن نظر حرفه‌ای خود را در مورد مطلوب بودن صورت‌های مالی ارائه می‌کند. در چنین کاری، حسابرس در مورد کیفیت اطلاعات ارائه شده برای مقاصد تصمیم‌گیری و هم‌چنین مناسب بودن صورت‌های مالی برای مقاصد پاسخگویی مدیریت و حاکمیت شرکتی به موکلین خود پیام حرفه‌ای می‌دهد. هدف این پیام به‌عنوان محصول نهایی فرایند حسابرسی، بهینه کردن گزارشگری مالی با افزودن اعتبار به اطلاعات گزارش شده است؛ اعتباری که بر مبنای شواهد به‌دست آمده و در نتیجه قابل توجیه است (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

با تصویب قوانین و مقررات جدید و آشنایی بیشتر با خدمات حرفه حسابرسی در سال‌های اخیر استفاده از خدمات حسابرسان افزایش چشمگیری یافته است. گروهی از استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسی، سرمایه‌گذاران هستند که به دنبال مدارک قابل اتکایی می‌باشند تا پرتفوی سرمایه‌گذاری خود را به استناد و اعتبار این اطلاعات و مدارک تشکیل دهند. صورت‌های مالی گزارش حسابرسی شده حسابرسان از دسته این مدارک هستند که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته‌اند. هنگامی که حسابرس نسبت به اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی اظهارنظر مقبول بیان نماید، اظهارنظر وی در حقیقت به صورت‌های مالی اعتبار می‌دهد و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی بدون تغییر باقی می‌ماند؛ یعنی اطلاعات مندرج مورد تأیید است. در صورت اظهارنظر مشروط یا عدم اظهارنظر و یا مردود حسابرس به‌عنوان یک متخصص مالی بی‌طرف و بی‌غرض بخشی یا تمام اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را تأیید نمی‌کند.

حسابرسان به‌عنوان واسطه میان صورت‌های مالی و استفاده‌کنندگان، نقش کلیدی در ارائه اطلاعات بیرونی ایفا می‌کنند. حسابرسی، فرآیند اطمینان‌بخشی درباره قابلیت اتکاء و مربوط بودن اطلاعات صورت‌های مالی است و اهمیت ویژه‌ای در برطرف نمودن تضاد منافع میان سهامداران و مدیران دارد. حسابرسی به‌عنوان یک مکانیزم کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می‌دهد که مدیران در اداره شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده‌اند یا خیر. از این رو، کار حسابرسی اطمینان‌بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذینفعی است که با شرکت روبه‌رو هستند (والکر، ۲۰۰۳).

نظر مقبول حسابرس باید در مواردی اظهار شود که حسابرس به این نتیجه برسد صورت‌های مالی، از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری به‌نحو مطلوب ارائه شده است. نظر مقبول هم‌چنین به‌طور ضمنی بیانگر آن است که هرگونه تغییر در اصول و رویه‌های مبتنی بر استانداردهای حسابداری و آثار آن‌ها، به‌نحو مناسب تعیین و در صورت‌های مالی درج و یا افشا شده است.

گزارش حسابرس در برخی موارد تعدیل می‌شود: موضوعاتی که بر اظهارنظر حسابرس اثر ندارد و موضوعاتی که بر اظهارنظر حسابرس اثر دارد. این موضوعات به یکی از نظرهای غیر از مقبول به شرح زیر می‌انجامد: الف. نظر مشروط، ب. عدم اظهارنظر، پ. نظر مردود.

نظر مشروط باید هنگامی اظهار شود که حسابرس نتیجه‌گیری می‌کند نظر مقبول نمی‌تواند اظهار شود، اما اثر هرگونه عدم توافق با مدیریت یا محدودیت در دامنه رسیدگی چنان با اهمیت و فراگیر و اساسی نیست که مستلزم اظهار نظر مردود یا عدم اظهار نظر شود. نظر مشروط باید با عبارت "به‌استثنای" آثار موضوع مورد شرط، اظهار شود. در واقع، حسابرس در مواردی که هر یک از شرایط زیر وجود دارد و بنا به قضاوت وی، اثر آن بر صورتهای مالی با اهمیت است یا بتواند با اهمیت باشد، نظری غیر از نظر مقبول اظهار می‌کند: الف- محدودیت در دامنه رسیدگی که هنگامی ایجاد می‌شود حسابرس نتواند از طریق اعمال روش‌های حسابرسی لازم به شواهد کافی و قابل قبولی برای اظهار نظر دست یابد. این محدودیت ممکن است توسط صاحبکار تحمیل شود یا وضعیتهای موجود آن را ایجاد کند، ب- ابهام اساسی، پ- عدم توافق با مدیریت درباره انطباق رویه‌های حسابداری انتخاب شده با استانداردهای حسابداری، شیوه‌های به کارگیری آن‌ها و یا کفایت افشای اطلاعات در صورتهای مالی.

جنسن (۲۰۰۵) بیان می‌کند مدیران شرکت‌های بیش‌ارزشیابی شده، ممکن است که اقداماتی را انجام دهند تا عملکرد گزارش شده را متورم سازند تا از این طریق قیمت‌های باد کرده سهام را توجیه نمایند. این چنین اقداماتی شامل تحصیل^{۱۱} دیگر شرکت‌ها، توسعه^{۱۲} داخلی شرکت، تقلب^{۱۳} و مدیریت سود می‌باشد. مدیران با انجام این اقدامات امیدوارند تا نتایج منفی در ارتباط با حرفه و پاداش‌ها را به تأخیر بیندازند، در حالی که آن‌ها در واقع در حال خراب کردن ارزش بلند مدت شرکت هستند.

مدیران شرکت و بازارهای مالی در حال انجام دادن یک بازی شبیه بازی بودجه‌بندی هستند. درست همان طور که اگر مدیران اهداف داخلی شرکت را از دست بدهند، پاداش آن‌ها لطمه می‌بیند، مدیران می‌دانند که اگر پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران را حتی به اندازه یک پنی از دست بدهند، بازار سرمایه، کل شرکت را مجازات خواهد کرد.

به طور معمول، تنها روش برای مدیران تا بتوانند انتظارات بازار را در دوازده ماه سال بدست بیاورند، دستکاری اعدادشان است تا عدم اطمینان‌های ذاتی در تجارتشان را بپوشانند. وقتی مدیران اعداد را دستکاری می‌کنند تا آن چه بازار می‌خواهد، بشنود (یا آن چه مدیران می‌خواهند، آن‌ها بشنوند) را بیان کنند (به جای بیان وضعیت واقعی شرکت)، مدیران در حال دروغ گفتن هستند؛ و وقتی تصمیمات عملیاتی که ارزش شرکت را حداکثر می‌کنند، برای به دست آوردن انتظارات بازار به مخاطره می‌افتند، ارزش بلند مدت شرکت در حال خراب شدن است (موسوی، خلعت‌بری و وقفی، ۱۳۹۱).

وقتی مدیران، در بازی مدیریت سود در حال دروغ گفتن هستند، توقف این بازی مشکل است، زیرا به صورت آبشاری جلو می‌رود و این می‌تواند به ظاهر شدن نسبتاً سریع تقلب‌های آشکار منجر شود. تحت قوانین حسابداری، مدیران این فضا را دارند که سیاست‌های قانونی و درستی را انتخاب کنند تا گزارش‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند. این سیاست‌ها به مدیریت کردن سودهای گزارش شده و انعکاس بهتری از وضعیت اقتصادی شرکت کمک می‌کند. انتخاب سیاست‌هایی

¹¹ Acquisitions

¹² Expansions

¹³ Fraud

برای انتقال هزینه‌ها از حال به آینده و درآمدها از آینده به حال، بر روی هم جمع می‌شوند و بدست آوردن اهداف دوره‌های آتی را با مشکل مواجه می‌سازند و مدیران کم‌کم مجبور می‌شوند سیاست‌های متجاوزکارانه بیشتری را انتخاب کنند تا خود را در این بازی حفظ کنند که سرانجام این سیاست‌ها می‌تواند به تقلب ختم شود. (جنسن، ۲۰۰۵)

هومز و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و ارزش‌گذاری بالای سهام، به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا پرداختند. آن‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از چهار معیار اندازه، تخصص در صنعت، طول دوره تصدی طولانی و حسابرسان متخصص در صنعت با طول دوره تصدی طولانی استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا ارتباط معکوس بین اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد.

تسپوریدو و اسپاتیس^{۱۴} (۲۰۱۴) نشان دادند که اظهارنظر حسابرسان ارتباط معناداری با مدیریت سود ندارد. همچنین مشخصه‌های مالی شرکت صاحب‌کار، مانند سودآوری و اندازه شرکت، در تصمیم حسابرسان پیرامون تعدیل گزارش خود در ارتباط با ابهام در تداوم فعالیت مؤثرتر از مدیریت سود است. به بیان دیگر، مدیریت سود نقشی در این ارتباط ندارد.

راسماتو، دیجمیل و سلیم^{۱۵} (۲۰۱۴) به بررسی نقش مدیریت سود بر صدور اظهارنظر تعدیل شده حسابرسان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که میان تعهدات اختیاری غیرعادی و اظهارنظر تعدیل شده حسابرسان رابطه معکوس وجود دارد. این در حالی است که سایر نتایج‌شان بیانگر این است که نوع موسسه حسابرسانی رابطه میان تعهدات اختیاری غیرعادی و اظهارنظر تعدیل شده حسابرسان را تحت تأثیر قرار داده و سبب می‌شود این رابطه مستقیم گردد.

اخگر^{۱۶} (۲۰۱۵) به بررسی رابطه میان اظهارنظر مشروط و مدیریت سود تعهدی و واقعی پرداخت. نتایج وی نشان داد که مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار با اظهارنظر مشروط حسابرسان دارد در حالی که میان مدیریت سود واقعی و اظهارنظر مشروط حسابرسانی رابطه‌ای یافت نشده است. همچنین نتایج وی حاکی از آن است که متغیرهای سودآوری، اندازه شرکت، تجربه حسابرسان، نوع اظهارنظر سال پیش و زیان سال پیش از عوامل تعیین‌کننده تصمیمات مربوط به اظهارنظر مشروط می‌باشد.

رید و ییزگل^{۱۷} (۲۰۱۶) به بررسی رابطه میان دوره تصدی و گزارش تداوم فعالیت پرداختند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۱ شرکت عمومی در آمریکا میان سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۸ دریافتند که هیچ رابطه‌ای میان دوره تصدی و خطای نوع دو مربوط به عدم گزارش تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی توسط حسابرسان بزرگ نیافتند. در مقابل، آن‌ها رابطه معناداری را میان دوره تصدی و خطای نوع دو مربوط به عدم گزارش تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی توسط حسابرسان غیربزرگ یافتند.

بنی مهد، یگانه و یزدانیان (۱۳۹۳) به بررسی رابطه میان مدیریت سود و اظهارنظر حسابرسان بخش خصوصی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سود، اندازه شرکت، سودآوری، نسبت بدهی، حق‌الزحمه حسابرسانی و مالکیت دولتی

¹⁴ Tsipouridou & Spathis

¹⁵ Rusmanto, Djamil & Salim

¹⁶ Akhgar

¹⁷ Read & Yezegel

با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه معنی دار دارند. هم‌چنین یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که پیچیدگی شرکت، تغییر حسابرِس و تغییر مدیریت با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه‌ای معنی دار ندارند. شواهد پژوهش بر این نکته تأکید دارند که رابطه مستقیم میان مدیریت سود و تعداد بندهای حسابرسی می‌تواند ناشی از افزایش کیفیت حسابرسی در بخش خصوصی باشد.

مرادی، اصولیان و نوروزی (۱۳۹۳) ارتباط میان مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرِس در مورد ابهام در تداوم فعالیت را بررسی نمودند. در این راستا، اظهارنظر مشروط حسابرِس به دو دسته تقسیم شده است. مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار و مشروط به دلیل سایر موارد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرِس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. این در حالی است که بین مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرِس به دلایلی جز ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط معناداری مشاهده نشده است. این یافته‌ها حاکی از آن است که ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، ریسک ذاتی حسابرسی را فزونی می‌بخشد و احتمال صدور گزارش مشروط را در صورت وجود مدیریت سود، افزایش می‌دهد.

وکیلی فرد، طالب نیا و صباغیان طوسی (۱۳۹۵) به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر ارقام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط پرداختند. نتایج علمی پژوهشی بیانگر آن است که در شرکت‌های با اندازه بزرگ، دوره تصدی‌گری ۵ سال حسابرِس به احتمال بیشتر ارقام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد. از طرفی به احتمال زیاد شرکت‌هایی که از حسابرِس متخصص استفاده می‌نمایند تمایل کمتری به دریافت گزارش مشروط دارند.

بنی‌مهد، مرادزاده فرد و زینالی (۱۳۹۱) به بررسی اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرِس پرداختند. یافته‌های پژوهش‌شان نشان می‌دهد که میان حق‌الزحمه حسابرِس، اندازه صاحب‌کار، گزارش زیان توسط صاحب‌کار و سن شرکت مورد رسیدگی و صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای معنی دار وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش، حق‌الزحمه حسابرِس رابطه‌ای مستقیم با صدور گزارش مقبول حسابرسی دارد. اندازه شرکت، سن شرکت و گزارش زیان رابطه‌ای معکوس با گزارش مقبول حسابرسی دارد. هم‌چنین تغییر حسابرِس، نوع حسابرِس، مدت تصدی حسابرِس با صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای ندارند.

جامعی، هلشی و حاجی‌عیدی (۱۳۹۱) تأثیر عملکرد مدیریت از قبیل سودآوری، سود هر سهم، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده دارایی‌ها بر گزارش حسابرِس مستقل و بندهای شرط گزارش مشروط را بررسی نمودند. یافته‌های آزمون فرضیه‌ها حاکی از تأثیر معیار سود هر سهم بر گزارش حسابرِس مستقل بوده، معیار سودآوری نیز بر بند شرط ثبت سرمایه‌گذاری به روش بهای تمام شده به جای ارزش ویژه تأثیر دارد. معیارهای سود هر سهم، نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام همگی بر بند اخذ تأییدیه گزارش مشروط حسابرِس مستقل تأثیر دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان بیان داشت، بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می‌شود؛ در نتیجه معیارهای حسابداری عملکرد مدیریت اظهارنظر حسابرِس مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش لین، وو، فنگ و وون^{۱۸} (۲۰۱۴) با عنوان رابطه میان محافظه‌کاری حسابداری، سرمایه‌گذاران نهادی و دستکاری سود نشان داد که شرکت‌ها با گزارشگری مالی محافظه‌کارانه‌تر احتمالاً کمتر درگیر فعالیت‌های دستکاری سود می‌شوند. همچنین نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی میان مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی است؛ بنابراین، اگر صورت‌های مالی شرکت گرایش به محافظه‌کاری داشته باشند، سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند با مدیریت سود، انگیزه‌های مدیریتی را افزایش دهند.

گارسیا لارا، گارسیا اوسما و پنالوا^{۱۹} (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های شرکت‌های امریکایی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود پرداختند. نتایج آنها نشان داد که محافظه‌کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و افزایش مدیریت واقعی سود می‌شود.

عابد، البداینه و ابوسردانه^{۲۰} (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "سطوح محافظه‌کاری در سیاست‌های حسابداری و تأثیر آن بر مدیریت سود" به این نتیجه رسیدند که میان محافظه‌کاری و اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه‌ای منفی وجود دارد. همچنین آنان نشان دادند که رابطه‌ای مثبت میان عملکرد شرکت با مدیریت سود وجود دارد.

طارق و البکک^{۲۱} (۲۰۱۱) در پژوهشی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود و قیمت بازار سهام در کشور مصر را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که محافظه‌کاری شرطی اثر منفی روی کیفیت سود و قیمت سهام شرکت‌های مصری دارد و محافظه‌کاری غیرشرطی روی کیفیت سود تأثیری ندارد اما با قیمت سهام رابطه منفی دارد.

اسکات و زیاتو^{۲۲} (۲۰۱۱) رابطه محافظه‌کاری و مدیریت سود را با آزمودن رابطه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و هزینه مطالبات مشکوک الوصول بررسی کردند. آنها دریافتند که شرکت‌ها، هزینه مطالبات مشکوک الوصول را به سمت پایین مدیریت می‌کنند تا پیش‌بینی‌های سود تحلیل‌گران را برآورده کنند و محافظه‌کاری وسعت مدیریت هزینه مطالبات مشکوک الوصول را برجسته می‌کند. همچنین، آنها دریافتند که شرکت‌ها، هزینه مطالبات مشکوک الوصول را با کاهش ذخیره‌های پیشین که در ترازنامه انباشته شده است، کاهش می‌دهند.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین گردید:

فرضیه اول: میان بیش‌ارزشیابی سهام با اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: میان مدیریت سود با اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میان محافظه‌کاری با اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بیش‌ارزشیابی سهام، بر رابطه میان مدیریت سود با اظهارنظر مقبول حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: بیش‌ارزشیابی سهام، بر رابطه میان محافظه‌کاری با اظهارنظر مقبول حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه ششم: میان اثر متقابل مدیریت سود و محافظه‌کاری با اظهارنظر مقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

¹⁸ Lin, Wu, Fang & Wun

¹⁹ Garcia Lara, Garcia Osmá, & Penalva

²⁰ Abed, Al-Badainah & Abu Serdaneh

²¹ Tariq & Elbolok

²² Scott & Xiaotao

فرضیه هفتم: بیش ارزشیابی سهام، بر رابطه میان مدیریت سود و محافظه کاری با اظهارنظر مقبول حسابرسی تأثیر دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و بر پایه اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. از لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. روش شناسی پژوهش پس‌رویدادی است و چون می‌تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، پس نوعی پژوهش کاربردی است. در گردآوری داده‌ها از نرم افزار رهاورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مربوط به بورس اوراق بهادار استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار استاتا و رگرسیون چندمتغیره خطی لاجیستیک استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش بخشی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد که حائز شرایط زیر است: پیش از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد، دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد. در سالهای مالی مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشد، داده‌های مورد نظر در دسترس باشد، به منظور برخورداری نتایج از اعتبار کافی، سهام شرکت در سال‌های دوره پژوهش، مورد معامله قرار گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد و شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی که افشاهای مالی و ساختارهای اصول راهبری آن‌ها فرق می‌کند نباشد. بعد از در نظر گرفتن موارد بیان شده تعداد ۴۲۹ سال شرکت انتخاب شد. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، از الگوی رگرسیونی زیر استفاده گردیده است:

$$AAO_{it} = \beta_0 + \beta_1 Ov_{it} + \beta_2 EM_{it} + \beta_3 Cons_{it} + \beta_4 Ov_{it} * EM_{it} + \beta_5 Ov_{it} * Cons_{it} + \beta_6 EM_{it} * Cons_{it} + \beta_7 Ov_{it} * EM_{it} * Cons_{it} + \beta_8 Big_{it} + \beta_9 Size_{it} + \beta_{10} AAO_{it-1} + \beta_{11} AuditChange_{it} + \beta_{12} InventoryTurnover_{it} + \beta_{13} Lev_{it} + \beta_{14} ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

AAO_{it} : اظهارنظر مقبول حسابرس برای شرکت i برای سال t

Ov_{it} : بیش ارزشیابی سهام شرکت i برای سال t

EM_{it} : مدیریت سود شرکت i برای سال t

$Cons_{it}$: محافظه کاری مدیران شرکت i برای سال t

$Ov_{it} * EM_{it}$: اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود

$Ov_{it} * Cons_{it}$: اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و محافظه کاری

$EM_{it} * Cons_{it}$: اثر متقابل مدیریت سود و محافظه کاری

$Ov_{it} * EM_{it} * Cons_{it}$: اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری

Big_{it} : نوع موسسه حسابرسی شرکت i برای سال t

$Size_{it}$: اندازه شرکت i برای سال t

AAO_{it-1} : اظهارنظر مقبول حسابرس برای شرکت i برای سال $t-1$

$AuditChange_{it}$: تغییر حسابرس شرکت i برای سال t

$InventoryTurnover_{it}$: گردش موجودی کالا شرکت i برای سال t

Lev_{it} : اهرم مالی شرکت i برای سال t

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i برای سال t

مدل: $\beta_0, \beta_1, \beta_2, \dots, \beta_{13}, \beta_{14}$ ضرایب مدل

ε_{it} : خطای مدل

۱-۳. متغیرهای پژوهش و روش اندازه گیری آنها

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش اظهار نظر مقبول حسابرسی می باشد. برای اندازه گیری آن از یک متغیر دوجبهی استفاده می شود. بدین صورت که اگر حسابرسی اظهار نظر مقبول ارائه کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می پذیرد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل پژوهش سه معیار بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری مدیران می باشد.

آ) بیش ارزشیابی سهام

به منظور اندازه گیری بیش ارزشیابی سهام، از دو متغیر مجازی نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تاخیری و نسبت بهای هر سهم به ارزش هر سهم تاخیری، به عنوان نماینده های بیش ارزشیابی سهام استفاده می شود.

معیار اول بیش ارزشیابی سهام: نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تاخیری

از تقسیم ساده قیمت روز هر سهم به سود هر سهم ابتدای سال بدست می آید و نشان می دهد که قیمت هر سهم چند برابر سود هر سهم است؛ از سوی دیگر این نسبت خلاصه ای از ارزیابی بازار در خصوص شرکت را ارائه می دهد.

$$\frac{PPS_{it}}{EPS_{it-1}} \quad (2)$$

کلیه مشاهدات سال-شرکت بر مبنای این نسبت به ۴ گروه تقسیم می شوند. متغیر مجازی اضافه ارزشیابی ($D1_{it}$) برای مشاهدات در بالاترین گروه عدد ۱ و برای سایر مشاهدات مقدار صفر می پذیرد.

معیار دوم بیش ارزشیابی سهام: نسبت بهای هر سهم به ارزش دفتری هر سهم تاخیری

از تقسیم قیمت روز هر سهم به ارزش دفتری هر سهم به دست می آید و نشان می دهد که قیمت هر سهم چند برابر حقوق صاحبان سهام است. از سوی دیگر این نسبت معیاری از ارزش ایجاد شده برای سهامداران در خصوص شرکت را ارائه می دهد.

$$\frac{PPS_{it}}{Book\ Value_{it-1}} \quad (3)$$

کلیه مشاهدات سال-شرکت بر مبنای این نسبت به ۴ گروه تقسیم می شوند. متغیر مجازی اضافه ارزشیابی ($D2_{it}$) برای مشاهدات در بالاترین گروه عدد ۱ و برای سایر مشاهدات مقدار صفر را می پذیرد.

در این پژوهش بر پایه هر کدام از این دو معیار که بیش ارزشیابی انجام گرفته باشد متغیر دو ارزشی بیش ارزشیابی مقدار یک در غیر این صورت مقدار صفر را می پذیرد یعنی:

اگر متغیر مجازی بر پایه هر کدام از دو معیار یک باشد بیش ارزشیابی مقدار یک را می پذیرد.

$$Ov_{it} = 1 \text{ if } D1_{it} + D2_{it} = 1$$

اگر متغیرهای مجازی بر پایه هر دو معیار صفر باشند بیش ارزشیابی مقدار صفر را می پذیرد.

$$Ov_{it} = 0 \text{ if } D1_{it} + D2_{it} = 0$$

اگر متغیر مجازی بر پایه اولین معیار مفقود باشد مقدار دومی را هر چه باشد می پذیرد.

$$Ov_{it} = D2_{it} \text{ if } D1_{it} = 0$$

اگر متغیر مجازی بر پایه دومین معیار مفقود باشد مقدار اولی را هر چه باشد می پذیرد.

$$Ov_{it} = D1_{it} \text{ if } D2_{it} = 0$$

ب) مدیریت سود

یکی از رایج‌ترین معیارهای استفاده شده در ادبیات برای سنجش دستکاری‌های سود مقدار تعهدات اختیاری است که نماینده‌ای برای مدیریت سود است در این پژوهش برای اندازه‌گیری تعهدات اختیاری، از مدل معروف به عمکرد ارائه شده توسط کوتاری، لئون و ویزلی^{۲۳} (۲۰۰۵) استفاده می‌شود.

این مدل برگرفته از مدل تعدیل شده جونز توسط دیجو، اسلون و سوینی^{۲۴} (۱۹۹۵) فرض می‌کند که تغییرات در درآمدهای فروش منهای تغییرات در حساب‌ها و اسناد دریافتی یعنی تغییرات در درآمدهای فروش نقدی و نیز جمع دارایی‌های ثابت ناخالص مستقل از اختیارات مدیریتی است بنابراین مقادیر خطای مدل بیانگر اقلام تعهدی اختیاری/مدیریت سود می‌باشد متغیر بازده دارایی‌ها (ROA_{it}) به باور کوتاری و همکاران با کنترل عمکرد مالی شرکت‌ها، کارایی مدل تعدیل شده جونز را افزایش می‌دهد.

$$\frac{TACC_{it}}{Assets_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Assets_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

$TACC_{it}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در پایان سال t

ΔREV_{it} : تغییر در درآمدهای فروش شرکت i در سال t

ΔREC_{it} : تغییر در حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری شرکت i در سال t

PPE_{it} : ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در پایان سال t

$Assets_{it-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در پایان سال $t-1$

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

$\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$: ضرایب مدل کوتاری و همکاران

ε_{it} : خطای مدل که بیان‌کننده مقدار مدیریت سود است.

مدل (۴) در سطح هر صنعت و برای هر سال جداگانه برآورد می‌شود. مقادیر منفی جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود از نوع حداقل‌سازی سود و مقادیر مثبت جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود از نوع حداکثرسازی سود و قدرمطلق جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود بدون توجه به نوع آن است که در این پژوهش ملاک قرار گرفته است؛ چنانچه تغییرات مقادیر خطای مدل در یک دوره زمانی در دو سوی خط رگرسیون تقریباً مشابه و توزیع آنها نرمال باشد مدیریت سود در آن دوره از نوع هموارسازی سود می‌باشد.

پ) محافظه کاری

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است.

$$Cons_{it} = \frac{TACC_{it}}{Assets_{it-1}} (-1) \quad (۵)$$

در این رابطه جمع کل اقلام تعهدی با دیدگاه ترازنامه‌ای (خالص سرمایه در گردش غیرنقدی) محاسبه می‌شود به عقیده گیولی و هاین رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش/کاهش یابد، محافظه کاری کاهش/افزایش می‌یابد از این رو برای ایجاد پیوند

²³ Kothari, Leone and Wasley

²⁴ Dechow, Sloan & Sweeney

مستقیم عدد منفی یک در شاخص گیولی و هاین به کار می‌رود. از آنجا که در مدل گیولی و هاین برای محاسبه محافظه‌کاری غیرشرطی از شاخص‌های بازار استفاده نمی‌شود. به کارگیری این مدل در شرایط ایران، مناسب است.

متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل پژوهش هفت معیار نوع موسسه حسابرسی، اندازه شرکت، وجود یا عدم وجود گزارش مقبول سال پیش، تغییر حسابرِس، گردش موجودی کالا، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها می‌باشد.

نوع موسسه حسابرسی

نماینده نوع موسسه حسابرسی در مدل، یک متغیر مجازی شامل عدد یک برای شرکت‌هایی که حسابرِس آن‌ها سازمان حسابرسی و در غیر این صورت عدد صفر است.

اندازه شرکت

اندازه شرکت با لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$Size_{it} = Ln(Assets_{it-1}) \quad (6)$$

وجود یا عدم وجود گزارش مقبول سال پیش

گزارش مقبول سال پیش متغیری مجازی است که اگر گزارش مقبول در سال پیش وجود داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

تغییر حسابرِس

تغییر حسابرِس متغیری مجازی است که اگر تغییر از یک موسسه حسابرسی خصوصی به یک موسسه حسابرسی خصوصی دیگر صورت گرفته شده باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر است.

گردش موجودی

گردش موجودی کالا با تقسیم فروش خالص بر موجودی کالای پایان دوره به دست می‌آید. دفعات گردش کالا بیانگر این مطلب است که هر چند روز یک بار انبار کالای شرکت پر و خالی می‌شود.

$$InventoryTurnover_{it} = \frac{Sales_{it}}{Inventory_{it}} \quad (7)$$

اهرم مالی

اهرم مالی با تقسیم کل بدهی به جمع کل دارایی‌های واحد اقتصادی به دست می‌آید.

$$Lev_{it} = \frac{Liability_{it}}{Assets_{it-1}} \quad (8)$$

بازده دارایی‌ها

بازده دارایی‌ها با تقسیم سود خالص به جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

$$ROA_{it} = \frac{Net\ Income_{it}}{Assets_{it-1}} \quad (9)$$

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است که بیانگر آماره‌های توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
اظهار نظر مقبول حسابر	۴۲۹	۰/۴۲۴۲۴۲۴	۰/۴۹۴۸۰۴۵	۰	۱
بیش ارزشیابی سهام	۴۲۹	۰/۴۴۹۸۸۳۴	۰/۴۹۸۰۶۲۸	۰	۱
مدیریت سود	۴۲۹	۰/۰۵۰۲۶۶۵	۰/۰۵۰۰۸۰۴	۰/۰۰۰۳۱۵۷	۰/۲۳۹۳۸۴۴
محافظه کاری	۴۲۹	-۰/۰۴۶۸۶۷۷	۰/۱۴۶۹۱۷۸	-۰/۶۸۴۴۵۴۴	۰/۳۸۸۵۰۶۱
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود	۴۲۹	۰/۰۲۲۲۶۵۱	۰/۰۴۱۸۱۴۷	۰	۰/۲۱۵۲۸۷۵
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و محافظه کاری	۴۲۹	-۰/۰۳۲۵۲۹۹	۰/۱۱۲۵۵۱۸	-۰/۶۸۴۴۵۴۴	۰/۲۳۷۰۲۷۸
اثر متقابل مدیریت سود و محافظه کاری	۴۲۹	-۰/۰۰۲۳۶۳۱	۰/۰۱۳۱۰۹۴	-۰/۰۷۴۵۳۲۱	۰/۰۴۵۴۳۶۲
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری	۴۲۹	-۰/۰۰۱۳۱۳۲	۰/۰۰۶۷۸۱۳	-۰/۰۳۹۴۹۰۱	۰/۰۲۰۱۳۲۳
نوع موسسه حسابرسی	۴۲۹	۰/۳۲۸۶۷۱۳	۰/۴۷۰۲۷۸۷	۰	۱
اندازه شرکت	۴۲۹	۱۳/۶۷۶۶۱	۱/۵۰۵۷۶۵	۱۰/۸۶۸۶۶	۱۷/۹۸۶۳
گزارش مقبول سال پیش	۴۲۹	۰/۴۲۸۹۰۴۴	۰/۴۹۵۴۹۷۴	۰	۱
تغییر حسابر	۴۲۹	۰/۲۰۰۴۶۶۲	۰/۴۰۰۸۱۶۷	۰	۱
گردش موجودی کالا	۴۲۹	۴/۷۱۹۰۴	۴/۲۲۳۳۱۸	۰/۴۵۸۲۲۱۹	۲۶/۶۰۴۶۱
اهرم مالی	۴۲۹	۰/۷۰۶۷۲۰۱	۰/۲۹۲۸۶۸۴	۰/۱۸۲۴۶۵۵	۲/۰۷۷۵۷۹
بازده دارایی‌ها	۴۲۹	۰/۱۴۵۵۸۹۲	۰/۱۷۳۱۸۱۹	-۰/۱۹۸۱۵۳۶	۰/۸۶۷۳۱۸۴

میانگین گزارش مقبول حسابرسی تقریباً ۰/۴۲ است؛ یعنی به طور متوسط حدود ۴۲ درصد مشاهدات در گزارش حسابرسی شان اظهار نظر مقبول ارائه کرده‌اند. میانگین بیش ارزشیابی سهام برای نمونه مورد مطالعه نزدیک ۰/۴۵ می‌باشد که بیانگر آن است که حدود ۴۵ درصد مشاهدات بیش ارزشگذاری سهام داشته‌اند. میانگین نوع موسسه حسابرسی ۰/۳۳ می‌باشد که نشان می‌دهد سازمان حسابرسی به طور متوسط ۳۳ درصد موارد حسابرسی‌ها را انجام داده است. میانگین تغییر حسابر ۰/۲۰ می‌باشد که نشان می‌دهد به طور متوسط ۲۰ درصد مشاهدات تغییر حسابر داشته‌اند. میانگین اهرم مالی نیز تقریباً ۰/۷۱ است؛ یعنی به طور میانگین بدهی‌ها معادل ۷۱ درصد دارایی‌های مشاهدات است. میانگین گردش موجودی کالا نزدیک ۴/۷ می‌باشد که نشان می‌دهد مشاهدات به طور متوسط فروشی معادل ۴/۷ برابر موجودی پایان دوره خود داشته‌اند. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها تقریباً ۰/۱۵ می‌باشد؛ که نشان می‌دهد که به طور متوسط مشاهدات بازدهی معادل ۰/۱۵ ریال به ازای یک ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها به دست آورده‌اند.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد:

تحلیل نتایج مدل

نتایج برآورد ضرایب مدل و آزمون معنی داری آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد ضرایب مدل و آزمون معنی داری آن‌ها

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t آزمون	p-مقدار
بیش ارزشیابی سهام	-۰/۱۰۹۸۸۷۵	۰/۴۶۵۹۸۴۱	-۰/۲۴	۰/۸۱۴
مدیریت سود	-۱/۱۲۵۱۳۲	۴/۵۰۹۶	-۰/۲۵	۰/۸۰۳
محافظه کاری	-۰/۴۴۴۷۵۰۵	۲/۳۳۸۱۱۴	-۰/۱۹	۰/۸۴۹
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود	۲/۷۶۳۳۵۱	۶/۳۸۰۴۰۱	۰/۴۳	۰/۶۶۵
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و محافظه کاری	۱/۳۳۴۶۸۵	۳/۱۳۵۱۷۶	۰/۴۳	۰/۶۷۰
اثر متقابل مدیریت سود و محافظه کاری	۱/۳۶۷۶۰۹	۲۳/۷۳۸۱۴	۰/۰۶	۰/۹۵۴
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری	۱۲/۸۵۶۹۳	۴۷/۲۹۲۱	۰/۲۷	۰/۷۸۶
نوع موسسه حسابرسی	۰/۵۵۲۷۰۷۵	۰/۴۱۹۴۳۲	۱/۳۲	۰/۱۸۸
اندازه شرکت	-۰/۰۴۸۰۰۱۸	۰/۱۳۹۳۳۸۱	-۰/۳۴	۰/۷۳۰
گزارش مقبول سال پیش	۱/۶۸۶۹۳۵	۰/۳۸۶۹۹۳۳	۴/۳۶	۰/۰۰۰
تغییر حسابرس	-۰/۲۳۴۰۵۸۷	۰/۳۶۱۹۳۷۳	-۰/۶۵	۰/۵۱۸
گردش موجودی کالا	۰/۰۳۳۳۳۸۱	۰/۰۴۶۷۷۳۲	۰/۷۱	۰/۴۷۶
اهرم مالی	-۱/۲۲۶۲۸۸	۰/۷۱۶۵۴۰۴	-۱/۷۱	۰/۰۸۷
بازده دارایی‌ها	۱/۹۴۸۳۴۳	۱/۳۳۵۰۱۶	۱/۴۶	۰/۱۴۴
عرض از مبدأ	-۰/۰۲۹۴۱۰۴۷	۱/۸۸۱۴۱	-۰/۱۶	۰/۸۷۶
نسبت راستنمایی	p-مقدار	آماره کای دو		p-مقدار
	۰/۰۰۵	۴۸/۱۱		۰/۰۰۰۰

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود معنی داری نسبت راستنمایی در سطح ۱ درصد نشان می‌دهد که الگوی برآورد شده به طور کلی معنی دار است و می‌توان به نتایج حاصل از مدل اطمینان داشت. در ادامه به بررسی و تحلیل نتایج فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی معنی دار بودن ضرایب متغیرهای توضیحی در مدل لاجیستیک از آماره Z به جای t استفاده می‌شود. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود سطح معنی داری ضریب متغیر بیش ارزشیابی سهام برابر با ۰/۸۱۴ و مدیریت سود ۰/۸۰۳ و محافظه کاری ۰/۸۴۹ و اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود ۰/۶۶۵ و اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و محافظه کاری ۰/۶۷۰ و اثر متقابل مدیریت سود و محافظه کاری ۰/۹۵۴ و اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و

محافظه کاری ۰/۷۸۶ می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ بوده بنابراین ضرایب این متغیرها در سطح ۵ درصد معنی دار نیست پس بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری و همچنین اثر همزمان آن‌ها نمی تواند بر ارائه گزارش مقبول حسابرسی مؤثر باشد؛ بنابراین فرضیه های پژوهش رد می شود.

همان گونه که در جدول ۲ دیده می شود ارائه گزارش مقبول حسابرسی با ارائه گزارش مقبول سال قبل در سطح ۱ درصد (معنی داری قوی) به طور مستقیم و با اهرم مالی در سطح ۱۰ درصد (معنی داری ضعیف) به طور معکوس رابطه معنی داری دارد. نیز دیده می شود که نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و تغییر حسابرس و گردش موجودی کالا و بازده دارایی ها بر ارائه گزارش مقبول حسابرسی مؤثر نیست.

۵. بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و محافظه کاری و همچنین اثر همزمان آن‌ها نمی تواند بر ارائه گزارش مقبول حسابرسی مؤثر باشد.

نتایج سازگار با این دیدگاه والکر (۲۰۰۳) است که می گوید: "گزارش تعدیل شده حسابرسی می تواند باعث اقدامات هزینه بری بر علیه شرکت نظیر تعلیق معاملات اوراق بهادار یا بالا رفتن هزینه سرمایه شرکت شود. نظریه کارگزاری، حسابرس را نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذینفع در کنترل صحت، قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعاتی می شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می شود؛ اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است؛ بنابراین در این نظریه فرض می شود که حسابرسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده، کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند". یا این که عملکرد مدیران با توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد مدیر، دیدگاه حسابرس را تحت تأثیر قرار داده و بر نوع گزارش حسابرس تأثیر گذاشته است.

و یا این که حسابرسان نتوانسته اند با افزایش کیفیت حسابرسی، بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و با تعدیل اظهارنظرشان مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

نتایج حاصل از فرضیه دوم با نتایج پژوهش تسپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) همخوانی و با نتایج پژوهش های راسمانتو و همکاران (۲۰۱۴)، اخگر (۲۰۱۵)، بنی مهد و همکاران (۱۳۹۳) و مرادی و همکاران (۱۳۹۳) که نشان می دهند مدیریت سود بر اظهارنظر حسابرسان مؤثر می باشد، همخوانی ندارد؛ بنابراین پیشنهاد می شود که پژوهش با شرکت های بیشتری در سطح هر صنعت و برای دوره زمانی درازتری تکرار شود.

یافته ها نشان می دهد که ارائه گزارش مقبول حسابرسی با ارائه گزارش مقبول حسابرسی سال پیش رابطه مستقیم معنی داری دارد در حالی که با تغییر حسابرس رابطه ای ندارد پس می توان نتیجه گرفت که این شرکت ها همچنان کیفیت سال پیش را حفظ کرده اند و نیازی به بازنگری در سیستم حسابرسی داخلی و نیز تغییر مدیریت ندارند.

همچنین یافته ها نشان می دهد که ارائه گزارش مقبول حسابرسی با اهرم مالی رابطه منفی دارد؛ بنابراین پیشنهاد می شود که مدیران شرکت ها توجه ویژه ای به کاهش نسبت بدهی ها به دارایی ها داشته باشند.

از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و تغییر حسابرس و گردش موجودی کالا و بازده دارایی‌ها بر ارائه گزارش مقبول حسابرسی مؤثر نیست.

۶. منابع و مآخذ

۱. احمدپور، احمد؛ ملکیان، اسفندیار و کردتبار، حسین. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه‌گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر مدل آستانه). جزوه درس مسائل جاری در حسابداری به اهتمام دکتر اسفندیار ملکیان.
۲. آقایی، محمدعلی و بابائی، ساسان. (۱۳۹۳). رابطه میان تعدیل اظهارنظر حسابرس و زمان‌بندی افشای اطلاعات. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۲۹-۱.
۳. امینی، پیمان؛ محمدی، کامران و عباسی، شعیب. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر صدور گزارش مشروط حسابرسی: کاربرد روش شبکه عصبی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال چهارم، شماره ۱۱، ۳۹-۲۵.
۴. بنی‌مهد، بهمن و باغبانی، تهمینه. (۱۳۸۸). اثر محافظه‌کاری حسابداری مالکیت دولتی اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵۸، ۷۰-۵۳.
۵. بنی‌مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس. (۱۳۹۳). مدیریت سود و اظهارنظر حسابرس شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی. *حسابداری مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۱، ۳۲-۱۷.
۶. بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده فرد، مهدی و زینالی، مهدی. (۱۳۹۱). اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس. *حسابداری مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۵: ۵۴-۴۱.
۷. جامعی، رضا؛ هلشی، مهران و حاجی‌عیدی، عبدالله. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر عملکرد مدیران بر اظهارنظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۴، ۱۴-۱.
۸. مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد و نوروزی، محمد. (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۱، شماره ۳، ۳۲۸-۳۱۳.
۹. موسوی شیری، محمود؛ خلعت‌بری، حسن و وقفی، سیدحسام. (۱۳۹۱). اثر بیش‌ارزشیابی سهام بر مدیریت سود. *مجله دانش حسابداری*، سال سوم، شماره ۹، ۱۶۶-۱۴۳.
۱۰. نیکخواه آزاد، علی. (۱۳۷۹). *بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی*. کمیته تدوین رهنمودهای حسابرسی، سازمان حسابرسی، چاپ دوم، تهران.
۱۱. وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله و صباغیان طوسی، امید. (۱۳۹۵). اثر کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، سال هشتم، شماره ۲۹: ۱۲۴-۹۷.

12. Abed, S., Al-Badainah, J., & Abu Serdaneh, J. (2012). Level of Conservatism in Accounting Policies and Its Effect on Earnings Management. *International Journal of Economics and Finance*, 4, 78-85.

13. Akhgar, M. O. (2015). Qualified Audit Opinion, Accounting Earnings Management and Real Earnings Management: Evidence from Iran. *Asian Economic and Financial Review*, 5(1), 46-57.
14. Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 83-128.
15. Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70, 193-225.
16. DeFond, M.; & Zhang J. (2014) A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58, 275-326.
17. Garcia Lara, J.M., Garcia Osma, B., & Penalva F. (2012). Accounting conservatism and the limits to earnings management. <http://ssrn.com>.
18. Givoly, D., & Hayn, C. K. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.
19. Haw, G., Park, K., Qi, D., & Wu, W. (2003). Audit Qualification and Timing of Earnings Announcements, Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 121-146.
20. Houmes, R. E., Foley, M., & Cebula, R. (2013). Audit quality and overvalued equity. *Accounting Research Journal*, 26(1), 56-74.
21. Jensen, M. (2005). Agency costs of overvalued equity. *Financial Management*, 34, 5-19.
22. Kothari, S. P., Leone A. J., & Wasley C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 165-197.
23. Lin, Fengyi, Wu, Chung-Min, Fang, Tzu-Yi, & Wun, Jheng-Ci (2014). The Relations among Accounting Conservatism, Institutional Investors and Earnings Manipulation. *Economic Modelling*, 37, 164-174.
24. Read, W.J., & Yezegel, A. (2016). Auditor Tenure and Going Concern Opinions for Bankrupt Clients, Additional Evidence, *AUDITING, A Journal of Practice & Theory*, 35(1), 163-179.
25. ROLL, R. (1986). The Hubris Hypothesis of Corporate Takeovers. *The Journal of Business*, 59, 197-216.
26. Rusmanto, T., Djamil, A. B., & Salim, Y. (2014). The Effect of Earnings Management to Issuance of Audit Qualification, Evidence from Indonesia. *Journal of Business Studies Quarterly*, 2014, 6(1), 1-28.
27. Scott, B.J., & Xiaotao, L. (2011). The allowance for uncollectible accounts, conservatism, and earnings management. *Journal of accounting research*, 48(3), 565-601.
28. Tariq, H. I., & Rasha, M. E. (2011). Do Conditional and Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality and Stock Prices in Egypt? *Research Journal of Finance and Accounting*, 2(12), 7-19.
29. Tsipouridou, M., & Spathis, Ch. (2014). Audit opinion and earnings management: Evidence from Greece. *Accounting Forum*, 38(1), 38-54.
30. Walker, M. (2003). Principal/agency theory when some agents are trustworthy. *Accounting and Finance Working Paper*, Manchester, Manchester Business School, Manchester University.

The Relationship between Acceptable Audit Report and overvaluation of stocks and Earnings Management and Conservatism

Elahe Zeraati Noughabi *¹
Karim Nakhaei²

Date of Receipt: 2021/08/23 Date of Issue: 2021/09/01

Abstract

This research investigates the relationship between auditor's acceptable opinion and overvaluation of stocks and earnings management and accounting conservatism. The dependent variable of the research is the auditor's acceptable opinion and the independent variables of the research include the proxies of overvaluation of stocks (ratio of price per share to profit of delayed share and ratio of price per share to value of delayed share) and proxy of earnings management (discretionary accruals) and proxy of conservatism (Givoly and Hayn's proxy for unconditional conservatism based on accruals). This is an applied research and the statistical procedure includes logistic regression. The statistical sample of the research includes 429 companies-years of companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2014 to 2020. The results of testing the research hypotheses show that in the companies surveyed in this period, the auditor's acceptable opinion has no significant relationship with overvaluation of stocks and earnings management and conservatism. Also, the kind of audit firm and the size of the company and the change of the auditor and the Inventory turnover and return on assets are not effective in providing an acceptable audit report, but the auditor's acceptable report has a positive relationship with last year's acceptable report and a significant negative relationship with financial leverage.

Keyword

Auditor's acceptable opinion, Overvaluation of stocks, Earnings management, Accounting conservatism.

1. PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran (*Corresponding Author: eligolzn@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran (Nakhaei1360@yahoo.com).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی